

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس یکشنبه ۱۳ دی ۱۳۱۵ \*

فهرست مطالب

۱) تصویب صورت مجلس  
۲) شور لایحه اصلاح قانون وکالت

۳) موع و دستور جلسه بعد - ششم جلسه

(مجلس یکساعت و ربع قبل از ظهر برپاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس یکشنبه ۲۹ آذر را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند \*\*

- ۱- تصویب صورت مجلس  
رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (گفته شد -  
غیر) صورت مجلس تصویب شد.
- ۲- شور لایحه اصلاح قانون وکالت  
رئیس - خیر کیسیون قوانین عدلیه راجع بوکالت مطرح میشود. آقایان يك شوری بودن آرا تصویب کرده اند چون طبع و توزیع شده است برای اینک وقت آقایان ضایع نشود ماده بماده قرائت می شود و رای گرفته می شود.
- خبر کیسیون  
کیسیون عدلیه در جلسات عده لایحه لمره ۳۶۷۷۸
- رئیس - شور در کلیات است. آقای مؤید احمدی مؤید احمدی - بنده در شور کلیات لازم دانستم فقط يك موضوع مختصر را تذکرأ بمرض برسانم البتة خاطر محترم آقایان نمائندگان مهربانی است که در قانون تشکیلات سابق عدلیه يك قسمت مربوط بوکالت بود وکالت در محاکم

\*\* عین مذاکرات مشروح عشا دوسومین جلسه از دوره دهم تقنینیه (مطابق نمره ۸ آذر ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\*\* اسامی غالبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :  
غالبین با اجازه - آقایان اسدوی - دکتر نزل ایلیغ - دکتر احتشام - طالب - کمالی .  
غالبین بی اجازه - آقایان : دینانی - علی وکیل - شیاهنگ - منصف - یات - دکتر ضیاء - حمزه نیش - معادل - مرآت اسفندیاری  
نیر سهرابی - دکتر ملک زاده - پارسا - ناسری - مؤید ثانی - دکتر غنی .  
دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : کادف - تک پور - انیس

عذبه بعد در چندی قبل از این صلاح دانستند که برای  
وکالت يك قانون مخصوص بگذرانند و يك قانونی در بیستم  
شهریور ۱۳۱۴ از تصویب مجلس شورای ملی گذشت  
و البته چون موضوع وکالت امروزه در دنیا يك موضوع  
مهم است و اشخاصی که حافظ حقوق و مدافع از حقوق  
و از مسائل جزایی مردم هستند باید اشخاص خیلی با  
اهمیت و زین با معلومات و صحیح العمل و درست کاری  
باشند و هر کسی نتواند در پیشگاه محاکم عذبه بستاند وکالت  
داخل شود (سجاست) این است که این قانون با کمال  
وقت و از روی مطالعات عمیق قانون سابق و اصلاح  
کرده است و از کمیون بمجلس آمده فقط توضیحی که  
بده عرض میکنم يك نکته است که همچو تصور کرده اند  
بستنها و يك سوء تفهیم شده بود که این وکالت وکالتی  
است که در قانون مدنی ذکر شده و با آن تناسب دارد در  
حالی که همچو بیست وکالتی که در قانون مدنی هست که  
بندست میتوانی بدهم به زيد که ليک مرا در کرمان  
اجاره بدهد ایضا مربوط باین قانون نیست با شیا در فران  
جا کار دارد وکالت میدهد بيك شخصی که برو اینکار  
مرا انجام بده آن وکالت در قانون مدنی مربوط باین قانون  
نیست این قانون مربوط بوکالت در محاکم عذبه است در  
پیشگاه محاکم عذبه کسی را می پذیرند که دارای شرایط  
مذکور در این قانون باشد ولی وکالتی که در قانون مدنی  
تصریح شده است راجع بوکالتی عمومی است که همه کسی  
البته می تواند که وکالت بدهد به زيد که برو برای من  
چیزی بخر یا ليک مرا اجاره بده آن هیچ مربوط باین  
قانون نیست این قانون از برای وکالت در محاکم عذبه  
است و برای اشخاصی است که در آنجا میخواهند وکالت  
کنند و باید دارای شرایط متردجه در این قانون باشند  
بنده لازم دانستم این توضیح را بدهم که معلوم باشد  
رئیس - موافقین باورد درشور مواد قیام فرمائید  
(اغلب قیام نمودند)  
رئیس - تصویب شده ماده اول

بگویم که معلومات ملاقات دیگر موجب ندارد که يك کسی  
در ولایات وکالت کند یا يك کسی در طهران ممکن است همین  
کنند کسی که دارای اینقدر معلومات است در ولایات وکالت  
کند و آن کسی را که دارای اینقدر معلومات است در  
طهران این را خواست دارم که اگر ضرورت دارد توضیح  
بدهند و الا اصلاح این را حذف کنند.

**وزیر عدلیه** - این بصره اول بصره خیلی میدی است  
بدلیل این که توضیح خواهم داد و در قانون وکالت فعلی  
هست و در این لایحه هم موضوع جدیدی نیست که  
درج شده باشد و کمال لزوم را دارد از نظر احتیاجات  
بسی در ولایات اگر همه ولایات بقدر کمال وکیل داشت  
ما این بصره را نمی نوشتیم در بسیاری از ولایات هست  
که از نظر ناچاری ما تحمل می کنیم یعنی از ولایات  
که اگر آن وکلا محروم بشوند و از بین بروند اصلاً ممکن  
است آن شهر می وکیل بماند این بصره از نقطه نظر  
احتیاجات بندست ولایات است و بوسیله و اختیاری است  
اجبار نیست برای این که وقتی که وزارت عدلیه دید که مثلاً  
شهر بیجورد وکیل ندارد وزارت تعدلیه اختیار دارد که بعضی وکیل  
را مجبور کند که برود در بیجورد وکالت کند یا نیست که ما این  
اختیار را برای وزارت عدلیه گذاشتیم از نظر احتیاجات  
بسی از علمای و الا هیچ ارتباطی با معلومات ندارد

**رئیس** - آقای عریانی.

**عریانی** - بنده خیلی متقدم که دلیل آقای وزیر عدلیه  
بر خلاف مراد و مقصودشان نفع خدای را اینکه آقای روسی  
اشکالشان این بود که يك کسی که لیابت وکالت دارد  
و کالتش در همه جا آزاد باشد. آقای وزیر عدلیه فرمودند  
که چون ما وکل کم داریم و بعضی جاها وکیل نداریم از  
اینجهت محمودی می بینیم اگر محمود باشد بهتر میشود  
استفاده کنید وکالتی که يك کسی در طهران مجبور است  
این دیگر نمیتواند برود در بیجورد وکالت کند این باید  
محدود باشد تا بتواند به بیجورد هم برود این دارای ولی  
که آقای وزیر عدلیه فرمودند بنده دیدم بر خلاف مقصودشان  
است و این وکیل که در يك محوره مجبور است در يك

حوزه دیگر که اجازه ندارد میتواند برسد.

**رئیس** (معتبر کسبون) - این جا اشکال آقای عریانی  
راجع بيك معنای شد در يك اللفظ معنی و البته این  
(یعنی آقای زرار) توضیح زیادی لازم ندارد. عرض  
کنم مثلاً در زابل تا کتون محکمه بنیادت نبود محکمه  
بنیادت در آنجا تشکیل شده حتی صلحیه هم نداشت و حالا  
تشکیل شده است و چون در آنجا محکمه نبود وکیل هم  
سابقه نداشته است قاضی محکمه هم که میتوانست بنیادین  
ارائه طریق کند بر این بنیاد عرضحال بشود و استنباط  
بدهد دفع با دستان بدهد دلیل بیابود این خلاف منظور  
است میتوانست کار وکالت بیکند باید بر طرف بنشیند حرف  
طهران را بشنود. ر استنباط مطلب کند (صحیح است)  
البته آقایان وکلا عده زیادی هستند که تصور و زارتخانه  
ملاحظه میکنند بعضی اشخاصی که نزدیکتر بيك حوزه هستند  
اختیار میکنند که اگر شما بخواهید وکالت کنید باید بروید  
ببلان فقهه یا اگر متناسب با آن محل هستند ابلاغ میکنند  
که آنگاه اگر شما وکالت در چه دردی با رسوم را می خواهید  
مجبورید نزایل بروید بروید وکالت کنید و الا در اینجا  
حق ندارید این باعث میشود که همانطور که يك مأموری  
را حکم میکنند ببلان محل بروند آن وکیل را هم برای  
اینکه بنیادت و ملاحظ آن حوزه را تأمین کنند مجبور  
میکند بآن محل بروند تا وقتی که رفع احتیاجات محلی شد  
آزودت مکان است که در مرتبه مجوز دیگری برود منظور  
ماده از این جهت بود. (صحیح است)

**رئیس** - آقای روسی

**رئیس** - عرض کنم که بنده عقیده دارم هر کجا که  
مدری باشد وکیل عدلیه هم پیدا میشود هر کجا که يك  
محکمه که يك کارگاه باشد در هر کجا که باشد وکیل  
عدلیه هم پیدا میشود (صحیح است) از زیر زمین میشود  
و میابن خودش را مرفعی میکند و ما ناچار نیستیم که برای  
زایل با مذکبات این وسائل را اتخاذ کنیم با وکیل مخصوص  
از مرکز یا جای دیگر بفرستیم بعلاوه این يك اشکل

دیگری دارد فرض بفرمایید بنده در پیچورد بک و کیلی  
 کرته ام کار مرا انجام داده است و میخواهد برساند در  
 طهران و شاید بخواهد باک توشیحات جلایم هم در حوزه  
 استنباف بنده و آفرات باید بک و کل دیگر بگیرم که آن  
 توشیحات را در حوزه استنباف بنده بکمی هم در تمیز بکمی  
 هم در محل دومی این اشکالات را فکر کنید ما مقهورمان  
 این است که قانون منته بگذرد و طوری بگذرد که سودمند  
 باشد و جامعه را آفت استفاده کند آمد ما همکاری است  
 که راها اگر بک اشکالی در آتیه ممکن است پیش آمد  
 کند ما پیش بینی کنیم این فکر را بکنید که در بک  
 مرحله باید یک پیش قدمی هم غر و کل داشته باشد اینها را  
 ملاسقه بفرماید که مردم آن ثروت را ندارند و نمیتوانند  
 از عهده بر آیند اینها هم فکر کنند اگر اشکالی ندارد  
 بنده هم موافق مقصود این است که قانون طوری بگذرد که  
 برای جامعه سودمند باشد و کاملاً منته باشد.

**مخیر** - تکرار عرایض سابق را بنده لازم نمی دانم  
 فقط این نکته را اضافه می کنم که اگر در زایل با پیچورد  
 و کل بود برای آقا که در آن جا هوا که دارم سبب سستی  
 بک نفر و کل از طهران بفرستید و بوداری خرج سهر  
 و اینها خیلی گران تمام میشود در سورنی که اگر در آقا  
 و کل باشد هیچ احتیاجی ندارید ولی عکس هیچ اشکالی  
 ندارد برای این که در پایتخت گذرد پیش از همه غلط  
 است که موجود است پس مقصود آسایش حال همه مردم  
 و دل در زحمت باشند (صحیح است)

**پس - آقای اورنگ**  
**آوردن** - عرض کنم که بدینوسیله است بک اشکالی  
 در ملک پیش می آید که این اشکالات موجب ایجاد  
 بک قانونی شده است برای دفع باره از اشکالات مثل خیلی  
 از قوانین که دولت وقت پیچورد میشود پیشنهاد کرده باشد  
 که دفع اشکالات را کرده باشد یا حل مشکل کرده باشد  
 البته برای هر مشکلی بک جایینی فرض باید کرد. مثلاً

بگیا راه شوسه ندارد از هیچ طرف راه ندارد و چند راه  
 از اطراف این شهر مسدود میشود زمستان است راه هم  
 ندارد اینجا سر بک چهار راهی است که هیچ کدام از  
 این طرف از راه شوسه ندارد باین شهر و کل آنجا  
 داشته است دیده است که در این شهر چندتا استفاده  
 نمی کنند آمده است ترک کرده و در همان وکالت میکند  
 سه تا و کل کرسی کروس را ترک کرده اند آمده اند به  
 همان مانده اند مردم کروس چه بکنند آقا و لا تکلیف  
 مانده اند بک صاحبی هم در کروس هست و قنای سر هم  
 بکنند آقا و بک دعوائی پیش آمده است که می خواهند  
 بروند آقا دفع از خودشان حالا بنده کروس را  
 می باب مثال عرض کردم که آقای دیگر زایل را تفکر  
 میدهند بک آقای دیگر از پیچورد اطلاع دردیکی دیگران زده  
 دیگر جمع این اطلاعات در روزنامه علیه که مرجع صالح اخبار است  
 جامع میشود وزارت علیه هم این حوالج را در نظر گرفته  
 است چه عیب دارد که وزارت علیه دست و پا نشانی باز باشد  
 که باین و کل کرسی که آمده است در همان اختیار داشته  
 باشد که بگوید اگر می خواهی وکالت کنی باین کرسی بولایت  
 خودت در کروس و آن وکالت باید بکنی کار هم زیاد است  
 خوب هم هست وک و یا کز هم هست نمی خواهی نکن  
 لازم نیست تو خودی بیانی همان. این کار عیب ندارد حسن  
 هم دارد بجهت اینکه حوالج مردم طرفین را چنانچه  
 را باید در نظر گرفت برای اینکه اگر ما در کرسی که فلان  
 و کل از طهران بلند میشود بروند بکروس وزارت علیه  
 هم من خیال نمی کنم که این خیال را دارد در بک و کل  
 در جا اول طهران را بگوید بنی تو این اختیار را میدهم  
 که تو در فلان حوزه استنبافی هم تویی و کالت کنی  
 مودعات کلی در دست بنده هست لکن فلان و کل کرسی  
 بقیع همان را پیش اختیار بکنند که بروند در کروس کار  
 مردم را و اینها در اشکال هم ندارد خوب هم هست بلکه  
 حسن است قانون است که وزارت علیه دست و پا نشانی  
 باز باشد برای اینکه بتوانند و کل برای آن تقاضا هم

**ملک علی** - عرض کنم بک قیمت برایش بنده  
 را آقای اورنگ اینجا توضیح دادند ولی بک جا و را  
 نفرمودند که بنده چهارم پیش کنم و نمود بکنم همه آقایان  
 هم عقیده باشند که وزارت علیه را جمع بکنند و کار لازم  
 بود که بک توجه بیشتری کرده باشد زیرا این موضوع  
 خیلی نواس با وضعیت عمومی داشت هم در همان علیه بنابر  
 داشت و هم در زندگانی عمومی زیرا در مملکت ما  
 ثبت املاک سابقه نباشد و بک مرتبه شروع شد به ثبت  
 املاک و اعتراضات و این قضیه چه اثر مربوط بخود  
 بکار وکالت و اجازه دادن باین که اشخاصی رود باین جرمانت  
 را در دهاک علیه اقدام کنند البته صلاحیت این  
 اشخاص ببقیده بنده خیلی اهمیت داشت باین جهت لازم بود  
 که وزارت علیه توجه کند باین قسمت که برای حسن  
 جرمانت این قضیه بک قوانین روشن و صحیحی از مجلس  
 شورای ملی بگذرد و البته بنده نمی خواهم عرض کنم  
 که آقایانی که این شکل محترم و کالت را داشتند  
 اشخاصی بود و اند که صلاحیت نداشته اند بلکه ببقیده

بنده صلاحیت داشته اند و احساس خوبی هم بوده اند ولی البته در باب دست زبانه هم کاملاً اختصاصی را شنیده ایم که شاید خیلی صلاحیت نداشته اند از نقطه نظر عمومی که در این امر داشته اند و در نتیجه جریانات گذشته بلك اجازه وگفتی گرفته اند و این مسئله بالاخره مزاجم جنل جامعه و مردم است این کار را نمی باید انجام داد پیوسته بنده وزارت عدلیه که نظار حقوق جامعه است و پیوسته بنده این بهترین قانونی است که از مجلس شورای ملی میگذرد برای اینکه همان شخصی که وکیل عدلیه دارد بالاخره باید با رعایت اهمیت و به دست و پا گیر است و ندارد و تقوی ندارد پیوسته بنده باید منشی کنند زیرا نباید دخالت در امور جامعه کند مقصود عرض این آنکه بود که این تیسره که مورد بحث واقع شده است پیوسته بنده لازم است و بنده میخوانم بگذرد بازر و رونق از این عرض را کند بلك قبول عدلیه که در باب تقوی و منشی بلك بلوری است که وکلان در آن شهر مزاجم جلال مردم است چه مابقی دارد که وزارت عدلیه اختیار داشته باشد و وکلان در را در آن شهر منتج کنند این از نقطه نظر صلاحیت او است به از نقطه نظر مآل و موافقت او

**تولیس - آقای آبراهام**  
 اختصاص - اشکالی که بنده چاشتم و از آقای وزیر عدلیه میخواستم پرسوس موضوع جزوه محاکمات است مقصود از جزوه محاکمات یا جزوه استثنائی بلك مجهول است و بنا بر قنوت غرب محمدان در مثال بزرگان این جزوه بنان کجا خواهد بود آیا برایشان که در ک استنباط است جزوه بنان آنچه است یا اینکه خود میدان است و این را میخوانم عرض بر من ککنم که آقای وزیر عدلیه توضیحی بفرمایند که روشن شود بگویی دیگر اینکه آقای اردلانک اینجا فرمودند که در کروس وکیل بودم بنده میخوانم عرض من ککنم که وکیل برستم که در نظر داشتنی باید در کروس بود است

مرض کنیم که این ماده برای مجازات نیست برای مجازات نیست با تشخیصی که مناسب است در بلك مجهول مقصود وکلان میکنند ماده مقصود دیگری را پیشنهاد کرده ایم و این ماده را صرف از لحاظ احتیاج و پیشنهاد کرده ایم بنده اضافه می کنم برایش سابق خود بلك مقصود را که غالباً پیش آمده است که در بلك شهری پیش از حد چند فرود وکیل دارد و در بلك شهری خیلی کمتر از حد احتیاج وکیل است و چنانچه گفته اند وای بر حال اهالی آن شهری که عدل و کلاش و اداری اصحاب دعویان باشد اگر بقدر آن عدل که دعوی دارند همان عدل هم وکیل باشند دیگر آن شهر را حتی بدارند برای اینکه وقتی وکلان شهادت شد مجبورند برای ارتزاقی خودشان دوی ایجاد میکنند و آنراست خدای بیخاسته بلك اختصاص بر کناری که در خانه شان نیستند بلك مرتبه طرف دوی واقع میشوند و این بواسطه کثرت وکلان در آنجا و هیچ در مقابل در بلك شهر دیگری را لحاظ و بفرمودند که هیچ وکیل نیست با بلك وکیل هست آن بلك نفر هم که نمی شود هم وکیل و دعوی باشد هم وکیل و دعوی علیه هم از نظر اینکه این شهر وکیل ندارد مجبور می شویم که این باور عمل کنیم و اشکالی که فرمودند راجع به جزوه اگر وقت بفرمایند در اصل ماده و وکیل را سه جزوه کردیم وکیل درجه اول آن کسی است که می تواند در تمام ایران وکالت کند برای او این حرف قابل تصور نیست و بلوری که ما در تیسره ۱ ذکر کردیم فقط بانی میرواند وکلان درجه دوم و سوم این را هم ما میخوانم منتهی بلك جزوه استثنائی بلكاً بقید کنیم و این دوستان این است که در جزوه استثنائی افسر نمی تواند وکالت کند وکیل درجه دوم چیست وکیل است که با استنباط می تواند کار کند پس او را می توانیم در بلك جزوه استثنائی برترسیم با او می گوئیم آقای وکیل شما ممکن است در جزوه استثنائی طریقی از وکلان کثرت در جزوه استثنائی

فارسی حق بدارند وکالت کنند با اینکه وکیل درجه سوم است که با نهایت با هر جا که قضایی شده می تواند وکالت کند با هر کجایم در حوزه بدایت لایف مجهول باید وکالت کنی بنا بر این با توضیحی که در خود داده راجع بدراجات داده شده دیگر تصور نمی کنم بلکه حوزه هم مجهول مانده باشد

**تولیس - آقای اردلانک**  
 غیر بعد از توضیح آقای وخبیر دیگر عرضی ندارم خواستم توضیحی بگویی اعتبار داده بادم که اینجا سه مرتبه تقوی از عرض بنده برای ایشان تولید شده باشد **تولیس -** موافقین با ماده بلك قیام فرمایند **غالب آقام اردلانک**  
**تولیس -** تصویب شد ماده دوم

ماده دوم - اختصاصی که واجد مآل و موافقت کالی برای وکالت باشند ولی نقل آنها وکالت در عدلیه باشد اگر بخواهند برای افرادی میبایستی یا نمی شود که درجه دوم از طبقه سوم وکالت بمانند ممکن است بگمان در سال سه نوبت جزوه اضافی داده شود

**تولیس -** موافقین با ماده دوم قیام فرمایند **(صکابر بر خاستند)**  
**تولیس -** تصویب شد ماده دوم  
 ماده سوم - وزارت عدلیه می تواند با تشخیص ذیل اجازه وکلان درجه اول بدهد  
 ۱ - با تشخیصی که سابقاً صلاحیت آنها را میگوید انتظامی برای وکلان در تمام مراحل اضافی بعد از دوره باشد و محکومیت انتظامی از درجه ۳ بیلا داشته باشند  
 ۲ - با تشخیصی که لازماً دارای درجه پنج اضافی بود و پنجاه و نوبالی یا متناوب سابقه خدمات قضائی داشته باشند یا با تشخیصی که شامل خدمات قضائی در طبقه دوم مقامات قضائی گردیده و مدت پنجاه و نوبالی متناوب اشتغال به خدمات مزبور داشته و در هر

سابق صلاحیت قضائی از آنها ندهد باشد.

۳ - بافخاسی که از دانشکده های حقوق و سیاسی داخه یا خارجه دارای دانشنامه لیسانس یا دکتراه باشند و یکسال لغاوت یا دو سال و یکسال کرده اند

۴ - یکسانیکه قبل از اجراء این قانون نه سال سابقه شغل وکالت دارند یا اینکه مجموع اشتغال ایشان در شغل قضائی و وکالت نه سال باشد و حکومت انتظامی از درجه سه به بالا نداشته و در حین اجراء این قانون هم اجازه وکالت در تمام مراحل داشته باشند

لقابت (مخبر کبیرون) - يك نوضیجی به ساده سوم و همچنین در ماده دیگری که نظر بر اینست عرض می کنم در آن این است که در قانون سابق این طور بود که وزارت عدلیه می تواند بافخاسی ذیل بدو اجازه وکالت بدهد کلام بدو در اینجا حذف شده است ولی البته منظور این است که بافخاسی که سابقه وکالت ندارند و تقاضای نامه وکالت می دهند با این شرایط اجازه وکالت داده می شود نه اینکه این ماده اقتضای شرف با آن ماده ۲۶ که شرایط ترفیح و کلا از يك درجه درجه مافوق است

ولیس - موافقین قیام فرمایند ( اکثر قیام نمودند )

ولیس - موافقین قیام فرمایند

ولیس - موافقین قیام نمودند

ولیس - موافقین قیام نمودند

ولیس - موافقین قیام نمودند

ولیس - موافقین قیام نمودند

ولیس - موافقین قیام نمودند

بخدمت قضائی و وکالت ده سال بوده و حکومت انتظامی از درجه سه به بالا نداشته و در حین اجراء این قانون اجازه وکالت داشته باشند.

ولیس - موافقین با ماده ۴ قیام فرمایند ( اکثر قیام نمودند )

ولیس - موافقین قیام فرمایند

ماده پنجم - وزارت عدلیه می تواند بافخاسی ذیل اجازه وکالت درجه سوم بدهد

۱ - فارغ التحصیلان کلاس قضائی که یکسال سابقه وکالت یا لغاوت داشته باشند

۲ - اشخاصی که قبل از اجراء این قانون سه سال سابقه شغل وکالت داشته و حکومت انتظامی از درجه سه به بالا نداشته باشند

۳ - به فارغ التحصیلان کلاس قضائی نایکسال آرمایش یا کالیبکه بر نامه کلاس قضائی را در دوره اول وکالت و وزارت عدلیه همین مهتایند امتحان بدهند یا یکسال آرمایش

ولیس - موافقین با ماده پنجم قیام فرمایند ( اکثر برخاستند )

ولیس - موافقین قیام فرمایند

ماده ششم - اشخاصی که بموجب حکم محکمه انتظامی متنوع الزکات شده اند هرگاه بموجب حکم صرفاً قتل معامرات بوده می توانند از مقررات تبصره ۲ ماده يك استفاده نمایند - هرگاه معامرات آنها فقط از جهت اخلاقی بوده پس از پنج سال از تاریخ صدور حکم می توانند اعاده حیثیت نمایند مشروط بر اینکه در مدت مزبور اعمال مذانی اخلاقی از آنها مشاهده نشده باشد هرگاه مزبوریت آنها از هر دو جهت بوده در صورت گذشتن پنج سال نیز می توانند از مورد تبصره ۲ ماده يك استفاده نمایند

ولیس - آقای روسی

ولیس - عرض میکنم خواستم آقای مخبر توجه فرمایند

که عبارات قوانین یکصدوی در آنکه روشنگر بقدر قانون باید طوری نوشته شود که هر کس سواد خواندن فارسی را داشته

میکنند بنده از طرف کبیرون موافقت میکنم که کلامه (قند) به (بدافضی) تبدیل شود ولی اگر بنا شود که بنخواهم بجای تمام کلمات که در قوانین است کلمات فارسی که معنایش یکسانی است بجای آنها بگذاریم دچار محظوراتی خواهیم شد و بهتر این است که فرهنگستان بکروزی عبارات قوانین را اصلاح کند و تا آن روز باید صبر کرد

ولیس - مقرر گفته شده است که دولت مقرر فرموده اند که يك صلاحیت را جمع به لغات شود و از يك مرکز معین و معمولی دستور ات این کار داده میشود اگر خواهد هر کس خودش يك صرفاتی بکند و او بیلا خواهد شد . موافقین با ماده ۶ قیام فرمایند ( اکثر قیام نمودند ) موافقین

۳ - موقوع دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]

ولیس - اگر موافقین بفرمایند جلسه چهارم را ختم کنیم جلسه آینده روز یکشنبه ۳۰ دی سه ساعت قبل از ظهر دستور بچه قانون وکالت (مجلس يك ربع ساعت قبل از ظهر ختم شد)

ولیس - موافقین قیام فرمایند

ولیس - موافقین قیام فرمایند

ولیس - موافقین قیام فرمایند

ولیس - موافقین قیام فرمایند

ولیس - موافقین قیام فرمایند

ولیس - موافقین قیام فرمایند

ولیس - موافقین قیام فرمایند

ولیس - موافقین قیام فرمایند

ولیس - موافقین قیام فرمایند

ولیس - موافقین قیام فرمایند

ولیس - موافقین قیام فرمایند

ولیس - موافقین قیام فرمایند

ولیس - موافقین قیام فرمایند

ولیس - موافقین قیام فرمایند

ولیس - موافقین قیام فرمایند

ولیس - موافقین قیام فرمایند

## قانون

اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات عدلیه و استخدام قضایه

مصوب کمیسیون قوانین عدلیه

تشکیلات اداری وزارت عدلیه

ماده ۱ - تشکیلات مرکزی وزارت عدلیه به سه اداره کل تقسیم میشود

۱ - اداره کل امور قضائی

۲ - اداره کل امور اداری

۳ - اداره کل ثبت اسناد و املاک

اداره کل امور قضائی

ماده ۲ - اداره کل امور قضائی منقسم به سه قسمت میشود:

اول - اداره نظارت

دوم - اداره حقوقی

سوم - اداره فنی

ماده ۳ - اداره نظارت دارای سه قسمت است:

قسمت اول - روبره قضائی

قسمت دوم - بازرسی محاکم و پارکها (بازرسان وزارتی)

قسمت سوم - رسیدگی بشکایات لزما موردین قضائی (بازرسان قضائی)

ماده ۴ - رئیس اداره نظارت در صورتیکه رتبه قضائی داشته باشد ممکن است سمت وکالت عمومی دیوانسالاری نیز در صورتیکه رتبه او اداری باشد سمت معاونت اداری مدعی لعلوم دیوانسالاری نیز داشته باشد.

ماده ۵ - ترتیب روابط اداره نظارت با پارکها دیوانسالاری نیز و محکمه عالی انتظامی و طرز رسیدگی بشکایات قضائیه بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد.

اداره حقوقی و فنی

ماده ۶ - اداره حقوقی مرکب از سه قسمت خواهد بود:

قسمت اول - امور بین‌المللی (استرداد نمودن قضائی بین‌المللی تر اردادهای قضائی وغیره) و جمع آوری قوانین خارجی.

قسمت دوم - مشاوره حقوقی - رسیدگی به تقاضاهای عتور تعقیف - اجراء مجازاتها.

قسمت سوم - دبیرخانه کمیسیونهای تهیه قوانین (کمیسیون ثبت قوانین حقوقی - کمیسیون ثبت قوانین جزائی کمیسیونهای انضامی)

اداره فنی دارای سه قسمت خواهد بود.

قسمت اول - مطبوعات (مجله رسمی - نشریات حقوقی)

قسمت دوم - ترجمه و کتابخانه - تنظیم امور مترجمین و سایر اهل خیره و مصدقین

قسمت سوم - آمار امور قضائی و سجل جزائی  
ماده ۵ - اداره کل امور اداری مرکب از سه اداره خواهد بود  
۱ - اداره استخدام (کارگزینی)

اداره کارگزینی دارای سه قسمت خواهد بود

قسمت اول - تشکیلات (مراتب در تکمیل تشکیلات اداری و قضائی مطابق بودجه - اتصاب - انتظام خدمت - سرخسی - تغییر و تبدیل مأمورین)

قسمت دوم - دار طلبان خدمت (تجهیه مستخدمین جدید قضائی و اداری - مأمورین احضار و اجراء و مستخدمین کنترائی و مستخدمین جزیه - اداره کردن امتحانات مختلفه)

قسمت سوم - سوابق خدمت (ترقیع و تقاعد)

۲ - اداره بازرسی امور اداری - بازرسی دوائر مرکزی وزارت عدلیه و تشکیلات اداری محاکم و پارکها - محاکم اداری (باز رسان اداری)

۳ - اداره محاسبات

ماده ۶ - وزیر عدلیه دارای سه دفتر اختصاصی بشرح ذیل خواهد بود.

۱ - دفتر کل وزارتی مشتمل بر:

الف - دارالانشاء.

ب - دفتر واک.

ج - دفتر عمرانه.

۲ - دفتر بازرسی کل کشور.

۳ - دفتر کل بازرسی و تشکیلات و کلازه عدلیه.

ماده ۷ - طرز تشکیل ادارات و دوائر و شعب مختلفه برای تقسیم وظائف مذکور در مواد ۶ تا ۹ و ارتباط آنها با یکدیگر بموجب نظامنامه خواهد بود که بتصویب هیئت وزراء میرسد. (تشکیل ادارات جدید غیر از آنچه در مواد مزبور تصریح شده باقییئت وزراء ممکن است)

ماده ۸ - وزارت عدلیه میتواند در تشکیلات اداری خود از مستخدمین قضائی یا حقوق رتبه قضائی آنها انتصاب نماید.

ماده ۹ - هرگاه رتبه منصدی یکی از مشاغل اداری وزارت عدلیه کمتر از رتبه باشد که برای آن شغل تعیین شده نسبت حقوق رتبه خود را باضافه نصف حقوق رتبه مقامی که منصدی است اخذ خواهد کرد.

و هرگاه رتبه منصدی بالاتر از رتبه باشد صککه معین شده در صورت بودن عمل حقوق رتبه خود را در ایات خواهد نمود.

ماده ۱۰ - در وزارت عدلیه شورائی عالی تحت ریاست وزیر عدلیه از مدعی الموم کل دیوان عالی کمز و مدیر کل امور قضائی و مدبر کل امور اداری دیگری از رؤساء یا مستشاران دیوان عالی کمز یا انتخاب وزیر عدلیه تشکیل میشود

ماده ۱۱ - شورائی عالی دارای وظایف ذیل است:

اولا - شور و تبادل نظر راجع بصلاح اساسی تشکیلات قضائی.

ثبیا - رسیدگی به متخلف مأمورین قضائی که متهم برقتار و اخلاقی منافای با حیثیات قضائی یا نمرد از نظامات اداری و با امر نظر بات خصوصی در اتخاذ تصمیمات قضائی هستند.

ماده ۱۲ - طرح تخلفات قضائی در شورای عالی بموجب گزارش های اداری یا شکایات واصله بظهارت و تصویب وزیر عدلیه بعمل میآید.

ماده ۱۳ - رسیدگی به تخلفات مأمورین قضائی غیر از آنچه در ماده ۱۱ مذکور است در صلاحیت محکمه عالی انتظامی خواهد بود - در هر مورد نیز که شورای عالی از خود نفی صلاحیت نماید و یا وزیر عدلیه طرح تخلف را در شورای تصویب نکند محکمه عالی انتظامی رسیدگی خواهد کرد.

ماده ۱۴ - شورای عالی در صورت وارد بودن تخلف یکی از مجازاتهای مقرر در قانون استخدام قضات حکم خواهد داد. رأی شورای عالی قطعی است.

شورائی عالی میتواند قبل از صدور حکم در مواردی که مقتضی بداند قرار تعلیق مستخدم تحت تعقیب را بداند.

ماده ۱۵ - ماده اول قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۲۷ تیر ماه ۱۳۰۲ حذف میشود و مواد ۱۸ ۲۲ ۲۵ - ۳۴ - ۳۷ - ۵۷ - ۶۱ - ۶۲ - قانون مزبور بطریق ذیل اصلاح میشود.

ماده ۱۸ - نصاب مدعی به از اول فروردین ۱۳۱۶ در محاکم صالحه ده هزار ریال و در نقاطی که در مقر صالحه محکمه ابتدائی تشکیل نشده نصاب صالحه بیست هزار ریال است دعوی که قبل از تاریخ مزبور اقامه شده یا میشود مشمول قانون سابق خواهند بود

ماده ۲۲ - محکمه صالحه ممکن است دارای شعب و عضو علی البدل باشد در اینصورت وزارت عدلیه میتواند باقتضای عمل حوزه محکمه صالح را بین شعب آن تقسیم کند و با بین شعب از حیث نصاب در حدود ماده ۱۸ و ۲۵ فرق بگذارد.

هرگاه محکمه صالح دارای شعب و عضو علی البدل باشد در صورت غیبت یا مرض امین صالح یکی از اعضاء علی البدل در یکمین محکمه بدایت بر حسب انتخاب وزیر عدلیه موقتا وظیف او را انجام خواهد داد.

تفسیر - در نقاطی که محکمه ابتدائی در مقر محکمه صالح نباشد وزارت عدلیه مجاز است محکمه در امور چندجه را به محکمه صالح واگذار نماید در این صورت محکمه صالح از حیث جریان محاکمه و صدور حکم تابع مقررات محکمه چندجه میباشد و وظیفه مدعی المهورا در این موارد متضمن لیدل در صورت غیبت او مدبر دفتر انجام خواهد داد - مرجع استنباطی احکام و قرارهای محاکم صالح در این مورد محکمه استنباط است

ماده ۲۵ - نسبت بدعای منقول که مدعی به آن بیش از پانصد ریال نیست عرضحال ممکن است کتبی باشد یا شفاهی و احکام امین صالح تا حدود این مبلغ قطعی است.

اشخاصی که میخواهند در محاکم صالح تا مهلت ۵۰۰ ریال اقامه دعوی نمایند و از مقررات این ماده استفاده نمایند نمی توانند ادعای خود را که ناشی از یک مدرک است تجزیه کرده و برای هر قسمت عرضحال جداگانه بدهند مگر اینکه در محکمه مزبور از بقیه دعوی خود صرف نظر نمایند.

مواد ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ حذف میشود.

ماده ۳۴ - در صورتیکه عهده ابتدائی شبهه نداشته باشد، ممکن است يك یا چند نفر عضو علی البدل برای آن معین شود عده اعضاء علی البدل را وزیر عدلیه با رعایت مقتضیات محل و کمی و زیادتی دعاهای معین مینماید.

رئیس هر عهده بدایت نسبت بانضامی صلاح حوزه خود نظارت نامه خواهد داشت.

چهارم اضافی بماده ۳۷ - رئیس هر عهده استنباف بدایت بهما حکم بدایت حوزه خود نظارت نامه خواهد داشت.

چهارم اضافی بماده ۵۷ - کلیه ضابطین عدلیه حتی قضات تحقیق در تحت نظارت و هدایت مدعی العموم استنباف انضمام وظایف مینماید و همچنین کلیه اشخاصیکه باید بموجب قانون یکی از وظایف مربوطه به ضابطین عدلیه را انجام دهند از این حیث تحت نظارت مدعی العموم استنباف خواهند بود.

ماده ۶۱ - مدعی العموم هر يك از يكه و كلاه عمومی و معاونین را كه صلاح بدانند مأمور مأمور هر يك از شعب عهده كه در نزد آن مأموریت دارد مینماید.

ماده ۶۲ - و كلاه عمومی و معاونین از حیث اظهار عقیده و رای نافع نظر مدعی العموم هستند و در موقع حضور در عهده بنام مدعی العموم بیانش عقیده مینماید.

ماده ۱۶ - وظایف مدعیان عمومی در مقام است. قضائی و اداری.

وظایف قضائی مدعی العموم بموجب قوانین اصول محکات مقرر است و وظایف اداری مدعی العموم عبارت از امور ذیل میباشد:

حفظ حقوق صغار و مجارین و غالب مفقود الاثر و حفظ تركه متوفی در صورت غیبت یا معلوم نبودن ورثه یا بعضی از آنها.

برای اجرای وظایف اداری مدعیان عمومی در پارکها ها شبیه خصوصی بنام دفتر امور مجبورین و تحریر تركه تشکیل میگردد كه كار كنان آن ممكن است از غیر مستخدمین دولت انتخاب شود طرز تشكيل و اجاره امور دفتر مزبور و تاسیس حق لزوم كار كنان غیر مستخدم آن بموجب نظامنامه هیئت وزراء معین خواهد شد.

هر كدام مدعیان عمومی بخواهند در خارج از مقر مأموریت خود وظایف اداری خود را بوسیله امانه صلاح یا حاكم یا بیكی از مأمورین شهر داری یا شهربانی انجام نمایند مأمورین مزبور مكلف هستند دستور مدعی العموم را بوجه اجرا بگذارند.

ماده ۱۷ - ماده ۵۹ قانون تریب عساکرت مأمورین تریب ۱۳۰۹ به طریق ذیل اصلاح می شود:

هیئت تجدید نظر تشكيل می شود از پنج نفر بترتیب ذیل:

دو نفر از اعضاء عهده انتظامی كه به حكم فرعه انتخاب می شوند و سه نفر از رؤساء و اعضاء دیوان تریب كه هم ساله وزیر عدلیه قیلا برای این منظور معین می كند حكم این هیئت قطعی و تا پنج روز پس از وصول بوزارت عدلیه باید به موقع اجرا كندارد شود.

لیصحه ۱ - در موقع تجدید نظر مدعی العموم تریب شخصاً باید در هیئت تجدید نظر حاضر شود.

لیصحه ۲ - حكومین بانضال دایم از خدمت معافی می شوند تا وقتی كه حكم عهده انتظامی بوسیله افسان موجد قطعی شده یا حكم هیئت تجدید نظر صادر شود.

ماده ۱۸ - مواد ۱۷ و ۱۸ و تبصره ماده ۹ و مواد ۱۱ و ۱۲ و ۴۳ قانون استخدام قضات بطریق ذیل اصلاح می شود:

ماده ۱ - الف - از تاریخ تصویب این قانون شرایط ورود بخدمت قضائی بقرار ذیل است:  
۱ - تابعیت ایران.

۲ - سن لااقل بیست و پنج سال -

۳ - داشتن دانش نامه فوئلیسی یا بالا از دانشكده های حقوق و سیاسی داخله یا خارجه.  
اشخاص ذیل نمیتوانند بمشاغل قضائی پذیرفته شوند:

كسانی كه بواسطه ارتكاب جنحه یا جنایت محكوم شده یا اتهامی جنحه یا جنایت تحت تعقیب هستند.  
كسانی كه معروف بفساد عقیده یا اخلاق بوده و متجاهر بفسق هستند.

اشخاصی كه معناد باستعمال اقویون هستند.

ب - وزارت عدلیه میتواند بر حسب ضرورت و احتیاج اشخاص را كه دارای دانشنامه ایلیسی هستند در قیچیه امتحان و مسابقه یا اختیار قانونی بمشاغل قضائی بپذیرد.

كسانی كه باین ترتیب دارای رتبه قضائی میشوند فقط میتوانند تارتبه ۹ ارتقا یابند و ترفیع آنها از رتبه ۶ به بالا منوط بآن است كه مواد مربوط به لیسانس حقوق را در هیئت امتحانیه وزارت عدلیه دامتاً با بدعات امتحان بدهند.

ج - اشخاصی كه قبل از تصویب این قانون بخدمات قضائی پذیرفته شده و دارای دانشنامه ایلیسی هستند رتبه آنها كمتر از رتبه ۷ قضائی است باید برای استحقاق ترفیع از رتبه ۵ بیلا امتحان مخصوص بدهند مأمور ترتیب امتحان و موعد انعقاد مجالس امتحان بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد ترفیع این اشخاص تا دعوت آنها بامتحان طبق سایر مقررات مربوط به ترفیع مستخدمین قضائی جائز است هر چه در صورتی نمیتوانند از رتبه بیلا ترفیع حاصل كنند كه از عهده امتحان مخصوص كه مأمور ترتیب آن بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد بر آید.

لیصحه - اشخاصی كه دارای درجه لیسانس شده و خدمت نظام وظیفه و انجام داده ولی سن آنها به ۲۵-الر رسیدند ممكن است بخدمات قضائی پذیرفته و تصدیق عضویت علی البدل صلاح بدایت با وكالت عمومی بدایت بشوند.

ماده ۷ - مقامات قضائی به هفت طبقه تقسیم می شود و مقرری مقام هر يك از این هفت طبقه در شهرها و قضبات كزور هم ساله در بودجه وزارت عدلیه پرتاسب موقعیت عمل بترتیب ذیل منظور خواهد شد.

طبقه اول ( مقرری رتبه ۱ ) قضائی ( امانه صلاح - اعضاء علی البدل صاحب بدایت - وكلا عمومی بدایت درجه دوم و مستظلمین درجه دوم.

طبقه دوم ( مقرری رتبه ۵ یا اضافی ) - مستظلمین درجه اول - وكلا عمومی درجه اول - مدعیان عمومی درجه دوم - حكام بدایت درجه دوم - اعضاء علی البدل استنباف - وكلا عمومی و مستشاران استنباف درجه دوم.

طبقه سوم ( مقرری رتبه ۷ قضائی ) - حكام بدایت درجه اول - مدعیان عمومی بدایت درجه اول - مستشاران استنباف درجه اول - وكلا عمومی استنباف درجه اول - رؤساء شعب استنباف درجه دوم.

طبقه چهارم ( مقرری رتبه ۸ قضائی ) - رؤساء شعب استنباف درجه اول - رئیس كلی مدعی العموم استنباف درجه دوم - عضو معاون دیوانعالی تریب - وكلا عمومی درجه دوم دیوانعالی تریب.

طبقه پنجم ( مقرری رتبه ۹ قضائی ) - رئیس كلی و مدعی العموم استنباف درجه اول - مستشاران دیوان عالی تریب و وكلا عمومی درجه اول دیوانعالی تریب.

طبقه ششم ( مقرری رتبه ۱۰ قضائی ) - رؤساء دوم دیوان عالی تریب - معاون مدعی العموم تریب.

طبقه هفتم - (مقرری رتبه ۱۱ قضائی) - رئیس و مدعی العموم دیوان عالی تیزیز.

مقرری مقام رئیس کل محاکم صالح سرکر و رئیس کل بنیاد و مدعی العموم بنیاد طهران ممکن است یک الی دو رتبه بالاتر از حدی که در این ماده مقرر شده معین شود.

تطبیق مقامهای قضائی محاکم اختصاصی و مقتضین قضائی با هر یک از طبقات مذکور در این ماده بنظر وزیر عدلیه است:

تیسره ماده، ۹ بطریق ذیل اصلاح میشود:

بمستندین کسی که در خارج از محل اقامت دالی خود مأموریت داده می شود مادام که در آن مأموریت هستند ممکن است تا خمس مقرری مقام کمک خرج داده شود.

شرط با یک ماده، ۱۱ بطریق ذیل اصلاح میشود:

۱ - لایال دو سال خدمت در رتبه ما دون از رتبه ۱ الی ۴ و سه سال خدمت در رتبه مادمون از رتبه ۵ بیال و مشمول بخدمت بودن در مدتی که لایال در وقت مدتهای مزبور باشد با رعایت قانون مصوب ۲۶ مرداد ماه ۱۳۱۰ و رایج پنجم اصل ۸۲ مع قانون اساسی.

ماده ۱۲ - کمیسیون موقتی رتبه نجات ریاست وزیر عدلیه تشکیل می شود.

کمیسیون مزبور مرکب خواهد بود از مدعی العموم دیوان عالی تیزیز و مدیر کل امور قضائی و مدیر کل امور اداری وزارت عدلیه و سه نفر از رؤساء و مستشاران دیوان تیزیز با انتخاب وزیر عدلیه

ماده ۴۳ - از ازل ورودین ۱۳۱۶ هر یک از مستندین قضائی که منصفی یکی از مقامات طبقات هفت گانه میشود هر یک رتبه او کتازرتبه باشد که بموجب ماده ۷ برای آن مقام مقرر شده تفاوت بین حقوق رتبه و حقوق مقام را بعنوان تفاوت مقرری مقام در باقیات خواهد داشت.

مجموعه - تاریخ تصویب بودجه ۱۳۱۶ ماده ۴۳ قانون استخدام قضات مصوب ۲۸ اسفند ۱۳۰۶ بطور موقت قابل اجرا است.

ماده ۱۹ - وزارت عدلیه می تواند اشخاصی را که دارای دانشنامه لیسانس یا بالاتر از دانشکدههای حقوق و سیاسی داخله یا خارجه هستند و واجد شرایط مندرجه در ماده ۱ قانون استخدام قضات باشند در صورتی که عمل مأموریت آنها در مرکز باشد یا رتبه سه قضائی و اگر عمل مأموریت خارج از مرکز باشد یا رتبه چهار قضائی استخدام کند.

رتبه چهار دربار اشخاصی که خارج از مرکز استخدام میشوند وقتی تثبیت خواهد شد که لا اقل دو سال در لایات خدمت نمایند و الا رتبه آنها همان سه قضائی خواهد بود.

ماده ۴۰ - وزیر عدلیه اختیار دارد از تاریخ اجراء این قانون تا ششماه در رتبه مستندینی که دارای دانشنامه لیسانس یا بالاتر از دانشکده های حقوق و سیاسی داخله یا خارجه هستند و قبل از اجراء این قانون دارای رتبه قضائی شده اند تجدید نظر نموده و با رعایت سابقه خدمت و لیابت رتبه را که در خود آن هستند برای آنها تعیین کند و رتبه مزبور رتبه قانونی آنها شناخته شده و از مقرری و سایر مزایای آن از تاریخ اعطاء بهره مند خواهند شد. لیکن تثبیت این رتبه موقوف باین است که حد اقل سه سال از تاریخ اعطاء آن بمضوت وزارت عدلیه باقی بماند.

ماده ۴۱ - برای وضع احتیاجنامه قبل عدلیه وزیر عدلیه میتواند کلاس قضائی تأسیس نموده و داوطلبانی

را که از عهده امتحانات آن بر آید به مشاغل قضائی منصوب نماید اشخاصی میتوانند وارد در کلاس قضائی شوند که در خدمات کشوری بوده و با کواهی نامه دوره اول متوسطه را دارا باشند.

ماده ۳۳ - وزیر عدلیه میتواند همه ساله در موعده معینی مدیران دفتر پارک کو پارک هاو تقریر نویس هاو معاونین اداری پارک و مدیران اجراء و نمایندگان ثبت را که لا اقل دو سال تمام در یک یا بعضی از این مشاغل خدمت کرده اند برای گذراندن امتحاناتیکه بموجب نظامنامه معین خواهد شد دعوت نماید و در صورتیکه از عهده امتحانات مزبور بر آید بخدمت قضائی پذیرد.

ماده ۳۴ - داوطلبان مذکور در دو ماده قبل پس از گذراندن امتحانات اگر دارای رتبه باشند رتبه اداری آنها تبدیل بر رتبه قضائی میشود و اگر در خدمات اداری استحقاق ترفیع حاصل کرده اند در تبدیل رتبه رعایت حق ترفیع آنها میشود و در صورتیکه بدون رتبه باشند با رتبه یک قضائی پذیرفته خواهند شد.

ماده ۳۴ - کلیه اشخاصی که بموجب ماده قبل بخدمت قضائی پذیرفته میشوند مشمول حق (ب) از ماده (۱) خواهند بود و ترفیع آنها علاوه بر شرایط مذکور در آن ماده منوط باین خواهد بود که به تقاضای وزارت عدلیه لایال دو سال در لایات بخدمت قضائی اشتغال ورزند.

ماده ۳۵ - مستندین قضائی که دارای دانشنامه درجه لیسانس یا بالاتر از دانشکده های حقوق داخله یا خارجه هستند در کمیسیون مفصلی رتبه در حدود احتیاجات وزارت عدلیه نسبت بمستندین قضائی که قبل از تصویب این قانون بدون داشتن دانشنامه لیسانس یا بالاتر وارد خدمت قضائی شده و امتحان مقرر در حق (ب) ماده یک را نداده اند حق تقدم خواهند داشت.

ماده ۳۶ - وزیر عدلیه می تواند از تاریخ اجراء این قانون تا یکسال مستندین اداری را که دارای درجه لیسانس یا بالاتر هستند یا تحصیلات آنها در شورای عالی مذکور در ماده ۱۰ برای خدمت قضائی شناخته شود یا رتبه قضائی مساوی یا رتبه آنها یا با یک رتبه بالاتر بخدمت قضائی قبول نماید و نیز کسائیکه دارای رتبه بوده و شورای عالی تحصیلات آنها را برای خدمات قضائی تصدیق نماید یا رتبه یک قضائی استخدام نماید.

ماده ۳۷ - شورای عالی مذکور در ماده ۱۰ هر گاه در ضمن رسیدگی به تخلف یکی از مستندین قضائی یا در مواردی که رسیدگی بجلاحت مستخدم قضائی از طرف وزارت عدلیه بشورای عالی ارجاع شود تشخیص دهد که مستخدم مورد تعقیب مناسب با خدمت قضائی نیست می تواند رتبه او را تبدیل بر رتبه اداری نماید یا اینکه در صورت داشتن لایال ۵ سال سابقه خدمت اعم از تصدی یا انتظار خدمت حکم بقاعد او بدهد.

در اینصورت مستخدم مزبور اجباراً بقاعد می شود هر چند که مطابق مقررات قانون استخدام موقوف بقاعد او رسیده باشد. ترفیع بقاعد این قبیل مستندین مطابق قسمت اول ماده سوم اصلاح قانون استخدام کشوری مصوب ۲۹ شهریور ۱۳۱۱ خواهد بود.

در موردی هم که تخلف مستخدم مورد تعقیب از نظر مقررات انتظامی مشمول مرور زمان شده باشد شورای عالی وزارت عدلیه از این اختیار خود می تواند استفاده کند - وزیر شورای عالی وزارت عدلیه می تواند بایستاد احکام صادر از محکمه عالی انتظامی حکم به تبدیل رتبه قضائی بدارائی یا بقاعد اجباری مستندین قضائی بدهد.

چون به موجب قانون ۲ آبان ۱۳۱۵ (وزیر عدلیه مجاز است ارایع قانونی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون فعلی قوانین عدلیه به موقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عدل نواقصی را که ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانین مزبور را تکمیل نموده ثباً برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید) علیهذا (قانون اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات عدلیه و استخدام قضات) متذکر شد بر بیست و هفت ماده که در تاریخ بیستم دی ماه یک هزار و سیصد و پانزده بتصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده قابل اجراست.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری